

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بررسی سبک شناختی مرزبان‌نامه‌ی سعدالدین وراوینی

محبوبه پاکدل

دانشجوی دکتری دانشگاه واحد یادگار امام (ره)

royapakdel62@gmail.com

چکیده

در این مقاله با به کارگیری مولفه‌ها و معیارهای سبک شناختی کتاب محمد تقی بهار بر کتاب مرزبان‌نامه‌ی سعدالدین وراوینی تلاش شده است تا ویژگی‌های سبکی بارزتر این کتاب به عنوان متنی از نظر قالب مثنوی و از نظر محتوایی تعلیمی، و همچنین بر پایه ویژگی اصلی و متمایزتر این اثر، یعنی فابل گونه بودن آن، مورد بررسی قرار گیرد. ایراد شواهد و مثال‌هایی برای این ویژگی‌های سبک شناختی از دیگر مواردی است که بدان پرداخته شده است. در نهایت نشان داده‌ایم که کتابی که چند قرن پیش از وراوینی توسط مرزبان بن رستم به نگارش درآمده است، در بازروایی دوباره آن دارای ویژگی‌های سبکی‌ای می‌شود که خاص نثر نویسی قرن ششم و هفتم و به شیوه‌ی اسلاف خود در نگارش چنین داستان‌هایی است. از زبان حیوانات بودن و تمثیلی بودن، هنگامی که با نثر سجع‌وار و گاه متکلف وراوینی در هم می‌آمیزد، سخنان و پندهای مرزبان‌نامه را در پوسته‌ی ضخیم‌تری از پیچیدگی‌های زبانی قرار می‌دهد.

کلمات کلیدی: سبک‌شناسی، مرزبان‌نامه، وراوینی، بهار.

۱. مقدمه

مرزبان‌نامه کتابی است به سبک و سیاق کلیله و دمنه، هم در طرح و هم در نوع ادبی. بر این بنیاد باید گفت که نویسنده‌ی مرزبان‌نامه هنگام ساخت و پرداخت کتاب خود کلیله و دمنه را پیش رو داشته است. ساختار داستانی هر دو کتاب حاکی از تأثیر مرزبان‌نامه از پیکربندی و داستان‌پردازی کلیله است. این نکته از آنجا حائز اهمیت است که بهار در سبک‌شناسی خود و در ذیل عنوان سعدالدین وراوینی پس از اطلاعاتی که درباره‌ی کتاب مرزبان‌نامه می‌دهد و آن را با روضه‌العقول همزاد می‌داند در نهایت می‌گوید: «بالجمله مرزبان‌نامه‌ی معروف نیز یکی از جواهر پُر تاج ادبیات فارسی است. بلکه می‌توان گفت که این کتاب و کلیله و دمنه دو گوهر جنبه‌اند که توأمًا بر دیهیم کلام فارسی قرار دارند. و نور دیگر جواهر هم از این دو مستعار است. (بهار، ۱۳۸۶: ج ۳، ۱۹). سپس می‌افزاید که در «مختصات مرزبان‌نامه سخن نمی‌گوئیم چه هر آنچه درباره‌ی طریقه‌ی ابوالمعالی گفتیم در این باره نیز صدق می‌کند و هر دو بر یک

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

منوال است. جز آنکه در مرزبان نامه سجع و ازدواج زیادتیر آمده است و نیز فعل «طلبیدن» جای طلب کردن که در قدیم معمول نبوده در مرزبان نامه بیش به کار رفته است (همان، ۲۰ و ۱۹).

در کنار ویژگی‌های سبکی که در ادامه‌ی همین سطور بدان‌ها پرداخته می‌شود، ویژگی‌های بارز دیگری که خود در ایجاد سبک مهم است نیز مورد بررسی اجمالی قرار می‌گیرد و آن فابل گونه بودن این کتاب است.

کتاب مرزبان نامه مسائل اخلاقی، همچنین نحوه‌ی رفتار و سیر و سلوک حاکمان و کارگزاران را با مردم در قالب گفتگو و داستان‌هایی از زبان حیوانات و پرندگان و جانوران بیان کرده است. «فابل داستان ساده و کوتاهی است که معمولاً شخصیت‌های آن حیوان هستند و هدف آن آموختن تعلیم یک اصل و حقیقت اخلاقی یا معنوی است (تقوی ۱۳۶۷: ۹۲). از این و بخاطر همین فابل گونه بودن می‌توان در نگاهی کلی سبکی تعلیمی را برای مرزبان نامه در نظر گرفت؛ تعلیم و تعلم و پند و اندرزهایی که آبشخوری چون تعالیم ایران باستانی دارد. محمد معین بسیاری از منظومه‌های ایران پس از اسلام و کتاب‌های نثر از جمله مرزبان نامه را با روایات و افسانه‌های پیش از اسلام در پیوند می‌داند و بر این باور است که ریشه‌ی بسیاری از مطالب مرزبان نامه را می‌توان در فرهنگ و ادبیات پیش از اسلام پیدا کرد (معین، ۱۳۲۴: ۶ و ۷).

در ساختار این مقاله پس از توضیحاتی درباره‌ی کلیات هم سبک شناسی و هم چنین درباره‌ی مرزبان نامه و مختصری درباره‌ی فابل و چگونگی آن، به ویژگی‌های سبکی مشخص‌تر این کتاب می‌پردازیم.

پیشینه‌ی پژوهش:

در مورد مرزبان نامه کتاب‌ها و مقالات بسیاری نگاشته شده است. بیشتر آنها نیز به مقوله‌های روایت شناسی سبک نویسندگی آن پرداخته‌اند در اکثر این پژوهش‌ها نیز مرزبان نامه در مقایسه با کلیله و دمنه مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهش‌هایی نیز، به موضوع فابل گونه بودن این اثر به تنهایی توجه شده است.

اما پژوهشی که تنها سبک شناسی مرزبان نامه را مدنظر قرار داده باشد و نیم نگاهی نیز به مسئله‌ی داستان‌های تمثیلی (فابل) داشته باشد انجام نشده است. در ادامه عنوان برخی از این پژوهش‌ها که ارتباط بیشتری با موضوع ما را دارد آورده می‌شود:

۱- مقایسه ساختار مرزبان نامه و کلیله و دمنه نوشته‌ی یعقوب فولادی، محمد بارانی و مریم خلیلی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۲- نگاهی به تمثیل‌های نمادین در مرزبان نامه نوشته‌ی مسعود پاکدل و معصومه سیراب

۳- ریخت شناسی فابل‌های مرزبان نامه نوشته‌ی حسین صادقی، سعید احمدیاری و یوسف طاهری

۴- بررسی ساختار روایی در مرزبان نامه نوشته‌ی اشرف شیبانی و زینب حاج ابوکهکی

بحث

درباره‌ی مرزبان نامه و وراوینی

سعدالدین وراوینی از نویسندگان بلیغ و توانایی پاری و دومین مترجم کتاب مرزبان نامه از زبان طبری به زبان پاری است که از جمله‌ی آثار مهم نثر مصنوع فارسی و پرورش کلیله و دمنه در ذکر قصص و امثال و حکم فراهم شده و مطالب آن از زبان وحوش و طیور و دیو و پری و آدمی بیان شده است (صفا، ۱۳۸۰: ۴۱۳).

از احوال وراوینی اطلاعی در دست نیست و تنها از مقدمه و خاتمه‌ی مرزبان نامه مستفاد می‌شود که از ملازمان خواجه ربیب الدین هارون، وزیر اتابک ازبک بن محمد، اتابک آذربایجان بود. تاریخ ترجمه‌ی مرزبان نامه و تهذیب آن به دست وراوینی کاملاً معلوم نیست ولی مسلماً بین سال‌های ۶۰۷-۶۲۲ هـ اتفاق افتاده است زیرا او در آخرین باب از کتاب خود نام ازبک بن محمد بن ایلدگز و وزیر او ربیب الدین را آورده است. چون اتابک ازبک از ۶۰۷ تا ۶۲۲ سلطنت کرده پس تاریخ برجسته مرزبان نامه در همین سنین بوده است و از آنجا که وراوینی بنا بر تصریح خود هنگام تهذیب مرزبان نامه در «ایام البیض کهولت» بود بنابراین باید ولادت او را در اواسط قرن ششم اتفاق افتاده باشد.

مرزبان‌نامه‌ی وراوینی در نه باب، یک مقدمه و یک ذیل است و چنانکه از مقایسه‌ی آن با روضه العقول بر می‌آید بعضی از حکایات و ابواب اصلی کتاب در این ترجمه حذف شده است. وراوینی خود نیز بدین معنی اشاره کرده آنجا که گفته است: «زویای آن همه بگردیدم و خبایای اسرار آن به نظر استبصار تمام بدیدم و طلسم ترکیب آن از هم فروگشادم و از حاصل همه مخلصی ساختم، باقی انداختم» (.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

و همین طور در دیباچه‌ی مرزبان‌نامه شمه‌یی از مطالعات خود را در متون ادبی مشهور خاصه منشآت مترسلین معروف قرن ششم بیان می‌کند و می‌گوید که: «قسمتی از کتاب خود را در مدتی که در مدرسه‌ی نظامیه به سر می‌برده‌ام، ترتیب داده‌ام و چون آن مدت که در اصفهان می‌زیسته از شورش عراق سخن می‌گوید و...» () .

مرزبان‌نامه وراوینی از جمله شاهکارهای بلامنزاع ادب فارسی در نثر مصنوع است و می‌توان آن را سرآمد همه‌ی آن‌ها تا اوایل قرن هفتم دانست. در بسیاری از موارد مرزبان‌نامه از حد نثر مصنوع متداول گذشته و صورت شعری دل‌انگیز یافته است. کلام وراوینی در اینگونه موارد شامل تشبیهات و اوصافی است که پیش از آن تنها در شعر دیده می‌شد و نویسندگان خود را از ایراد آن معانی در نثر مستغنی می‌دانستند. لیکن او با مهارتی عجیب توانسته است آن معانی را بی آنکه موجب ملال خواننده شود در تضاعیف کلام بگنجانند و با ذکر قصص و امثال درآمیزد. در پاره‌ای از موارد هم سخن وی با کمال ایجاز همراهست و بی آنکه نویسنده به ایراد صنایع متوجه باشد از آن موارد می‌گذرد. ایراد مثال و شواهد و اشعار پارسی و تازی از استادان بزرگ نیز در کتاب به اندازه‌ی کافی صورت پذیرفته و در این موارد وراوینی مسلماً به روش کلیله و دمنه‌ی بهرامشاهی نظر داشته است (صفا، ۱۳۸۰: ۴۱۵).

اصل این کتاب را یکی از ملوک آن بلاد و بنام اسپهبد مرزبان بن رستم شروین در قرن چهارم به زبان طبری نوشته بود و عنصرالمعالی کیکاوس در قابوسنامه و ابن اسفندیار در جمع طبری از آن نام می‌برد. در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم دو نفر بدون آنکه از کار یکدیگر خبر داشته باشند - وراوینی صاحب مرزبان‌نامه و محمد بن غازی الملطیوی صاحب روضه العقول - آن را به نثر فارسی ترجمه می‌کنند. مرزبان‌نامه همچون کلیله و دمنه از نوع ادب تمثیلی (فابل) محسوب می‌شود (شمیسا، ۱۳۷۷: ۱۳۱).

درباره فابل و تمثیل

معروف‌ترین قسم تمثیل، تمثیل حیوانی است که فرنگیان به آن فابل (fable) می‌گویند و آن را یکی از انواع ادبی می‌دانند (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۴۵). فابل رایج‌ترین شکل حکایت تمثیلی است که در آن حیوانات مثل انسان‌ها هستند و همانند آن‌ها سخن می‌گویند و رفتار می‌کنند (آبرمز، ۱۳۸۴: ۸). فابل یا تمثیل در ادبیات بسیاری از ملت‌ها پر بسامد است و آثاری وجود دارد که یکسر بدین شیوه نگارش یافته‌اند. مانند قلعه حیوانات جورج اورول، کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه. فابل یک موقعیت خیالی را ترسیم می‌کند که امکان وقوع آن در

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

خارج ممکن نیست و درس اخلاقی در آن معمولاً به امور دنیوی می‌پردازد (پورنامداریان، ۱۳۸۹: ۱۴۲). حکایات کلیله و دمنه که اصل هندی دارد نیز مجموعه قصه‌هایی به زبان حیوانات می‌باشد و از جمله نمونه‌های افسانه‌ی تمثیلی در ادبیات فارسی به شمار می‌رود (داد، ۱۳۸۲: ۴۵).

فابل‌ها اغلب کوتاه و ساده‌اند. در فرهنگ اصطلاحات ادبی جهان از شیپلی می‌خوانیم: «در فابل حیوانات مطابق با طبیعت خود عمل می‌کنند جز آنکه سخن می‌گویند. موضوعات و مایه‌های اصلی در فابل بی‌شمار است و بخشی از فرهنگ عوام و ابداعات اهل مغالطه است. دیدگاه فابل واقعگرا و کنایه آمیز است». نکته مهمی که در کمتر فرهنگی بدان توجه شده است آشکار بودن تعلیم در فابل است که آن را از الگوری جدا می‌کند. در فرهنگ اصطلاحات ادبی مارتین‌گری به این نکته اشاره شده است: «فابل حکایت کوتاهی است مشتمل بر یک درس اخلاقی آشکار و شخصیت‌های آن حیواناتی هستند که شبیه انسان عمل می‌کنند». این تعریف در عین کوتاهی جامع‌تر است؛ زیرا علاوه بر اینکه بر صراحت داشتن تعلیم تأکید کرده، عمل حیوانات نقش آفرین در حکایت را شبیه انسان دانسته است نه حیوان. در تعاریف دیگر از جمله شیپلی اظهار شده که حیوانات مطابق با طبیعت خود عمل می‌کنند در حالیکه همیشه هم چنین نیست و اگر چنین ویژگی را بپذیریم باید بسیاری از حکایت‌های حیوانات را در زمره‌ی فابل‌ها نیاوریم.

تمثیل نیز اصطلاحی در علم بیان است که در لغت به معنی تشبیه کردن و مثل آوردن و نیز برای نگاشتن پیکر و نمودن صورت چیزی نیز بکار رفته است. تمثیل در معنای عام، معادل و مرادف تشبیه است و در معنای تشبیه بکار می‌رود زیرا «مثل» که ریش تمثیل است معنای «شبه» می‌دهد (فیروزآبادی، ج ۵، ص ۴۷۱). در بررسی کتاب مرزبان‌نامه باید گفت که استفاده از نوع ادبی تمثیل حیوانی بخاطر آنچه محتوای کتاب است، یعنی تعلیم و اندرز در آن، بهترین نوع محسوب می‌شود. نگارش این کتاب توسط مرزبان از آنجا شروع شد که شروین پادشاه طبرستان درگذشت و اداره‌ی امور مملکت به فرزند بزرگ او واگذار شد اما برادرانش به او حسادت می‌کردند. مرزبان که از دیگر برادرانش داناتر بود برای اینکه پای خود را از قائله کنار بکشد و مورد تهمت واقع نشود تصمیم گرفت که به خطه‌ی دیگری دور از مرکز حکومت برود و همت بر کسب سعادت باقی گمارد. جمعی از بزرگان و اشراف که به نیت پاک او پی برده بودند از او خواستند که پیش از رفتن کتابی در باب حکمت تألیف کند تا آن کتاب سرمشق رفتار و کردار پادشاه باشد. پس از گفت و گوهایی که بین شاه و وزیر او و مرزبان صورت گرفت سرانجام پادشاه به مرزبان دستور نگارش کتاب را صادر نمود که راهنمای اخلاقی خوبی نیز برای خود پادشاه و درباریان وی در امور کشورداری و سیاست بود. از اینرو تمثیل حیوانی می‌توانست بهترین نوع اینگونه کتاب باشد

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

چرا که سخنان از زبان حیوانات بیان شده است و سبب می‌شده است تا حساسیت کمتری را در نگاه پادشاهان مستبد زمانه برانگیزد. سخنانی با معانی بلند از زبان حیوانات مختلف:

- «موش از آنجا که دناست و خیم و خلق لیمیم او بود گفت: سرِ ناشکسته را به دارو بردن نه از دانایی باشد. من حقارت خویش می‌دانم و جسارت صیاد می‌شناسم...» (روایینی: ۱۳۷۶، ۱۲۶).

- «خرس گفت: در شرع رسوم پادشاهی واجب است بر پادشاه از چندگونه مردم تحرّز و توقی نمودنو توقع بدسگالی داشتن، یکی آنکه بی‌گناهی از کارش معزول کند، دیگر آنکه با دشمن او دوستی ورزد، دیگر آنکه در زبان پادشاه سود خویش ببندد، دیگر آنکه بسیار خدمت‌ها بر امید مجازات کرده باشد و جزا نیافته باشد، دیگر آنکه راز پادشاه با نامحرم در میان نهد. اکنون که او به چنین جرمی مواخذ گشت، از او اعتماد برخاست و استعطاف او سودمند نیاید» (همان، ۳۱).

درباره دانش سبک شناسی

واژه‌ی سبک عربی است از ریشه‌ی سَبَكْ معنی ذوب کردن و در قالب ریختن. سابقه‌ی کاربرد اصطلاح کسب در زبان عربی به قرن سوم هجری در آثار جاحظ و ابوالهلال عسگری می‌رسد. جاحظ (۲۵۰ ق) در آثارش سبک را مکرراً با صفات نیک و زیبا هم راه آورده است. در ادب فارسی و عربی تعبیرهای " طرز، اسلوب، روش، سیاق و عطف " مترادف سبک بکار رفته‌اند. در زبان فارسی اصطلاح سبک شناسی را نخستین بار محمدتقی بهار برای عنوان کتاب خود، سبک شناسی نثر (۱۳۳۰ ش) به کار برد. در زبان‌های لاتین " استیل " به معنی سبک از ریشه‌ی ستیلوس^۱ است که قلمی نوک نیز بوده و با آن حروف را روی سخت می‌تراشیدند. بعدها این واژه به طور مجازی به روش خاص شکل دادن به حروف در نوشتار تغییر شده است (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۴).

سبک در معنی عام و در متداول‌ترین و رایج‌ترین مفهوم عبارت است از «شیوه‌های خاص انجام یک کار»؛ مثل مردم پوشیدن لباس یا خوردن غذا را با شیوه‌های مختلفی انجام می‌دهند (همان: ۳۵). اصطلاح «سبک» که در زبان شناسی و ادبیات بر شیوه‌ی رفتارهای

^۱ . Stylus

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

زبانی افراد اطلاق می‌شود، از دیرباز دگرگونی معنایی قابل توجهی داشته است. سخن گفتن، یک رفتار زبانی است که بنا به موقعیت اجتماعی، سن و جنسیت افراد به گونه‌های مختلف انجام می‌پذیرد. در تعریف زبان شناسان سبک عبارت است از «شیوه‌ی کاربرد زبان در یک بافت معین، به وسیله‌ی مشخص معین برای هدفی مشخص» (لیچ، ۱۹۸۱: ۱۰).

به لحاظ سابقه‌ی علمی، سبک شناسی علمی نسبتاً جدید است در ادبیات، سبک روشی است که شاعر و نویسنده برای بیان موضوع خود بر می‌گزیند، یعنی سبک، شیوه‌ی گفتن است. شاعر و نویسنده به واسطه‌ی سبک، در تمام مراحل از انتخاب موضوع گرفته تا نوع کلمات، لحن و سیاق تالیف عناصر گوناگون، تأثیر خود را بر اثر بر جا می‌نهد (داد، ۱۳۸۲: ۲۷۵).

کلمه‌ی سبک برای نخستین بار در مقدمه‌ی کتاب مجمع الفصحای هدایت در کنار واژه‌های طرز، طریقه، سیاق، شسیوه و معادل اینها به کار رفته است. از محققان متأخر، دکتر سیروس شمسیا در کتاب سبک‌شناسی شعر تقسیم‌بندی دیگری از سبک‌های شعر فارسی دارد که حقایق بیشتری نسبت به تقسیم بندی بهار در آن لحاظ شده است.

بنابراین تقسیم‌بندی سبک‌های شعر فارسی عبارتند از:

۱- سبک خراسانی یا ترکستانی: از آغاز نیمه دوم قرن سوم تا پایان قرن پنجم و مقارن با حکومت سلسله‌های طاهری، صفاری، سامانی و غزنوی رایج بوده است (همان، ۲۷۵).

۲- سبک دوره‌ی غزنوی اوایل سلجوقی (۴۵۰-۵۵۰ هـ ق): نثر عربی در نثر فارسی اثر کرد، جمله‌ها طولانی شد و لغات عربی رو به فزونی گذارد. مختصات عمده‌ی نثر در این دوره به اختصار چنین است: وجود اطناب، توصیف، استشهاد و تمثیل، تقلید از نثر عربی و لغات و افعال و امثال و اصطلاحات فارسی و استفاده فراوان از لغات عربی، از نمونه‌های سبک نثر در این دوره می‌توان تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه را نام برد (همان، ۲۸۰).

۳- سبک اواخر دوره‌ی سلجوقی و خوارزمیان به موازنه و سجع و تکلفات و صنایع بدیع در نثر زیاد شد. نمونه آن مقامات حمیدی و مرزبان‌نامه است (همان، ۲۸۰).

۴- سبک دوره‌ی مغول (۱۲۰۰-۶۰۰ هـ ق): در نثر این دوره تکلفات بدیعی زیادت‌تر شد. لغات عربی مشکل و اصطلاحات علمی نیز فزونی گرفت. این دوره، دوره‌ی اعتلا و شکوفایی نثر فنی است (همان، ۲۸۰).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۵- سبک دوره‌ی بازگشت ادبی (۱۳۰۰-۱۲۰۰ هـ ق): در این دوره تقلید از نثر گلستان سعدی و نشر خوارزمی و تاریخ بیهقی رواج گرفت و از نمونه‌های آن می‌توان منشآت/ قائم مقام فراهانی و نشاط، ناسخ التواریخ/ سپهر، مؤلفات هدایت و نامه‌ی دانشوران را نام برد. (داد، ۱۳۸۲: ۲۸۰).

۶- دوره‌ی ساده نویسی (... - ۱۳۰۰ هـ ق): در این دوره نثر فصیح و ساده رواج گرفت. ساده‌نویسی عمدتاً با رساله‌های میرزا ملکم خان، ترجمه حاج بابای اصفهانی، آثار احمد طالبوف و افسانه‌ی کنت و سه تفنگدار به ترجمه طاهر میرزا آغاز شد (همان، ۲۸۰).

به لحاظ سابقه‌ی علمی، سبک شناسی علمی نسبتاً جدید است که ابتدا در حوزه‌ی نقد ادبی بعد و بعداً با ظهور و توسعه‌ی زبان‌شناسی و از زمانی که شیوه‌های زبان‌شناسی برای مطالعه‌ی سبک متون ادبی و غیرادبی رایج گردید، سبک شناسی به حوزه‌ای مستقل و در عین حال مرتبط با هر دو رشته نقد ادبی و زبان‌شناسی بدل گردید. در این موقعیت جدید هدف سبک شناسی این بوده است که میان مبانی زبان‌شناسی و بررسی متون ادبی و غیرادبی از نقطه نظر شیوه‌ی بکارگیری زبان رابطه‌ای قانونمند و معنی‌دار کشف نماید (همان، ۲۸۲).

کلیاتی درباره‌ی سبک نثر نویسی قرون ششم و هفتم

در قرن ۶ و ۷ مختصات لفظی در حدی متعادل و متناسب در نثر نویسی مراعات می‌شود تا آنجا که نشان دهد هنر نویسندگی، تنها در تغییر و بیان اغراض و معانی نیست؛ بلکه مانند شعر جمال اسلوب را نیز در نظر دارد. به طور کلی آثار نثری این دوره را می‌توان به دو سبک تقسیم نمود:

نخست: آثاری که در آن هنر در نثر فارسی، پیوند خود را با اسلوب دوره‌ی قبل نگسسته و در قبول و استعمال مختصات سبک جدید، از حد معینی فراتر نرفته است. در این سبک نیز دو شیوه‌ی متمایز می‌توان تشخیص داد. نثر مرسل عالی و نثر فنی مرسل (خطیبی)، (۱۳۷۵: ۱۴۰).

دوم: نثرهایی که خود را به تمام و کمال از قیود سبک قدیم رها ساخته و روشی را برگزیده‌اند. این دسته آثار را بیشتر در میان نثرنویسان مغرب و جنوب ایران می‌یابیم که بر اثر نزدیکی با کانون زبان عربی و تأثیر و نفوذ بی‌قید و شرط این زبان، بی‌کم و کاست از آن تقلید

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

می‌کرده‌اند. این درست همان است که در شعر فارسی از آن به سبک خراسانی و سبک عراقی تعبیر می‌شود و اگر این دو اصطلاح را بپذیریم؛ در نثر فارسی نیز می‌توان این دو شیوه را به خوبی تشخیص داد. با این تفاوت که در نثر، به واسطه‌ی وسعت مجالی که داشت، این اقتباس به نحو بارزی از حدّ شعر فراتر رفته است (همان، ۱۴۰).

در این دسته از آثار نیز در صورت نقد و تحلیل، می‌توان دو سبک متمایز تشخیص داد:

نخست: آثاری که در آن مختصات لفظی و صنعتی شدن عربی، همراه با معانی و مضامین شعری فارسی، بی‌هیچ‌گونه قید و شرطی تقلید و استعمال می‌شود و پیروی از سبک اطناب و ترک شیوه‌ی ارسال، مجال هرگونه تکلف لفظی را در آن فراهم می‌سازد. قطعات نثر، به صورت قرائن شعری در می‌آید. معمولاً در آخر هر دو قرینه و گاه چند قرینه متوالی، سجعی واحد به کار می‌رود.

درست برعکس سبک مرسل، که در آن معنی الفاظ را به یکدیگر می‌پیوندد؛ در این سبک لفظ وسیله‌ی پیوستگی معانی است. نویسنده در این سبک، تا آنجا که ممکن است با تطویل و اطناب رشته معنی را باریک و ظریف می‌کند تا بتواند الفاظ بیشتری را در آن جای دهد. هر لفظ می‌کوشد تا قرینه‌ای داشته باشد. شعر به صورت درج و تضمین یا اقتباس مضامین و الفاظ، به صورت حلّ، در نثر به کار می‌رود.

قرائن طویل به قرائن قصیر، به صورت سجع در سجع، تقسیم می‌شود و چون هدف نویسنده بیان معنی نیست، این لفظ است که سستی و گاه ابتذال معنی را می‌پوشاند. آیات و احادیث و امثله و حکم به شیوه‌های مختلف بکار می‌رود بصورتی که گاه رشته ضعیف معنی تنها وسیله‌ای است برای پیوستن اینگونه ارکان به یکدیگر. نمونه این سبک را در نثر قصص و تواریخ این دوره به کثرت می‌توانیم یافت: مانند مقامات حمیدی و نثر مرزبان‌نامه سعدالدین وراوینی (همان، ۱۴۲).

درباره‌ی سبک مرزبان‌نامه

مترجم و نویسنده‌ی مرزبان‌نامه در خاتمه‌ی کتاب خویش درباره سبک انشاء خود چنین می‌نویسد:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

«ساخته‌ی این بنده مشتملست بر چند نمط از اسالیب سخن‌آرائی و عبارت‌پروری و این به جنتی ماند پر از الوان ازاهیر معنی و اشکال ریاحین الفاظ و اجناس فواکه نکت و انواع ثمار اشارات، هر حسّی را از افراد آن بهره‌ی و هر ذوقی را از آحاد آن نصیبی، فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذّ الألبان و بدین خصایص که یاد کرده می‌آید، از جمله‌ی آن کتب منفردست، اول آنک از شوارد الفاظ و بوارد تازیهای نامستعمل که یمجّه السّمع و تاباه النفس درو هیچ نتوان یافت، دوم آنک از امثال و شواهد اشعار تازی و پارسی که دیگران در کتب ایراد کرده‌اند، چنان محترز بوده که دامن سخن به ثقل خائیده و مکیده‌ی ایشان باز نیفتاده و اّلا علی سبیل الندره به گلهای بوئیده و دست مالیده‌ی دیگران استشمام نکرده، سیوم آنک یک موضوع معینی را بعینه در مواضع بسیار گفته‌ام و به وصفهای گوناگون جلوه‌گری چنان کرده که هیچ کلمه، اّلا ماشاءالله از سوابق کلمات مکرر نگشته و دیگر خاصیت‌های جزوی که بالغ نظران باریک‌بین را به وقت مطالعه‌ی دقایق آن معلوم شود، خود بسیار توان یافت و اگر کسی از خوانندگان اندیشه بر یک دو مقام گمارد و باقی فرو گذارد و به مطالعه‌ی مستوفی من الصّدر الی العجز فرا نرسد، بسا نوادر نکت و صوادر نطف از کرایم خدر خاطر و لطایم عطر عبارت که ازو درگذرد، - حَفِظْتَ سَيِّئًا وَ غَابَتْ عَنكَ أَشْيَاءٌ - آمدیم بر سر مقصود...» (وراوینی: ۱۳۷۶، ۲۹۶ و ۲۹۷).

از این عبارات به خوبی می‌توان به عقیده‌ی نویسنده درباره سبک انشا خود پی برد. یک نکته آنکه این دعوی نویسنده که نثر او از شوارد الفاظ و بوارد تازیهای نامستعمل خالی است، دور از حقیقت و اغراق آمیز به نظر می‌رسد و حتی خود همین دو کلمه‌ی **شوارد** و **بوارد** در همین عبارات در شمار تازی‌های نامستعمل است. با این حال به نظر می‌رسد این سخن نویسنده از این باب گفته شده باشد که با توجه به تازی مآبی بیش از حد در نوع نویسندگی این دو قرن، سبب شده است که نویسنده‌ی مرزبان نامه در مقایسه با دیگر آثار و نوشته‌ها چنین نظری را ابراز کرده باشد.

در ادامه به برخی از مختصات سبکی مرزبان نامه تیتروار اشاره و شواهدی برای آن‌ها آورده می‌شود.

استفاده‌ی فراوان از سجع و جناس:

- «حمد و ثنایی که روایح ذکر آن چون ثنایای صبح بر نکهت دهان گل خنده زند و شکر و سپاسی که فوایح نشر آن چون نسیم صبا جّعه و طره سنبل شکند، ذات پاک کریمی را که از احاطت به لطایف کرمش نطق را نطق تنگ آمده» (همان، ۳).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شاید بتوان گفت که برجسته ترین صنایع لفظی در سبک انشاء این نویسنده انواع مختلف جناس است؛ از جناس تام و ناقص و مطرف و مقلوب گرفته تا جناس شبه اشتقاق و خط و غیره:

- «به دالت کدام آلت و به ارشاد کدام رشاد، این مقام طلبیم» (همان، ۲۵۲).

- «جواب پیل چیست؟ و طریق نیکوتر از موافقت و مرافقت و مهادنت و مدهانت که بر دست باید گرفت کدام؟» (همان، ۲۰۳).

- «جمال این سخن را، نص کلام ازلی از منصه صدق جلوه گری می کند» (همان، ۱۵).

از این قبیل جناس های متنوع به وفور در سرتاسر کتاب قابل مشاهده است و حتی می توان گفت که عبارات کتاب به کیفیتی تلفیق شده است که بتوان هر چه بیشتر این صنعت را به کار برد.

بعد از جناس و سجع، مراعات النظیر از جمله صنایعی است که موارد استعمال مکرری دارد:

- «چون کوهی که عراده ی رعد و نفاطه ی برق و منجنیق صواعق و سنگ باران تگرگ و تیر پران بارانش رخنه نکند» (همان، ۸۰).

- «شکوفه ی گفتار اگر چه برگ لطیف برآرد، چون به صبا صدق اصغاء پرورده نگردد؛ ثمره ی کردار از او چشم نتوان داشت» (همان، ۱۴).

- «اسکندروار سد رمقی که یا جوج فناش رخنه کرده بود من بستم و خضروار آب زندگانی او من به روی کار آوردم» (همان، ۱۴۷).

صنعت تضاد بعد از موارد گفته شده بیشترین بسامد را دارد که آن را بیشتر به صورت تابع و توالی می آورد:

- «و اصناف خلق را از اوساط و اطراف مملکت، شهری و لشکری، خواص و عوام، عالم و جاهل، مذکر و خامل، صالح و طالح، دور و

نزدیک؛ جمله را در صحرائی به یک مجمع جمع آوردند» (همان، ۲۷۷).

ارسال مثل و تمثیل:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- «دشمن را چنان باید داشت که آن گوی بلورین که در حقه نهند و هر وقت بیرون گیرند و پاک بشویند و هر چه در احتیاط و عزیز داشت آن گنجد بجای آرند؛ تا روزی که جایی سنگ خارهی سخت ببینند بر آن سنگ زنند و خرد بشکنند؛ چنانکه ترکیب و تألیف اجزای آن، بیش در امکان نیاید» (همان، ۱۲۵).

- «کار دولت به آب در جوی ماند که اگر صد سال بر یک مجری رود، تا گذرگاه آن مسدود نگردانی، روی به جانب دیگر نهد» (همان، ۹۳).

تمثیلات مکرر در مورد سخنی واحد:

- «ملک زاده گفت: دستور از استماع این سخن، که اجماع اُمم و اتفاق عقلاء عالم بر آنست؛ در این خصومت و پیکار، بدان اسب حرون ماند که تا زخم تازیانه نخورد، حرونی پیدا نکند و بدان کودک، که تا در مکتب باشد، از بیم دوال معلم، پای در دامن تأدب کشیده دارد و چون بیرون آید، عقال عقل بگسلد و باز با خوی کودکی شود و بدان خر لنگ، که تا در علفزار آسودگی می‌چرد و بر مَرَبَطِ بیکاری می‌آساید، درست نماید و چون اندک رنجی از تحمل بار اوقار ببندد، عیب لنگی پدید آرد» (همان، ۲۸).

جمع و تقسیم و تشریح:

- «سه چیز است که اگرچه حقیر باشد آنرا استحقار نشاید کرد: بیماری و وام و دشمن. بیماری اگرچه در آغاز سهل نماید چون در مداوات آن اهمال رود، مزمن شود و وام اگرچه اندک باشد چون متراکم گردد، مکنت بسیار از ادای آن قاصر آید و دشمن اگرچه کوچک بود چون استصغار و خوارداشت از اندازه بگذرد، مقاومت او به آخر صورت نیندد» (همان، ۲۰۳).

جمع‌های عربی که غیرایرانیان جمعی دیگر از جموع پارسی بر آن می‌فزودند چون «عجایبها» و «معجزاتها» و «ملوکات» و امثال آنها در این کتاب نیست یا بوده و از میان رفته است. ولی جموع فارسی در لغات عربی چون خلقان و ملکان و متقدمان و عالمان و فاضلان، استعمال شده است.

پشت سر هم آمدن و طولانی شدن جمله‌ها و عبارات:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- «هنگام فراغت، از مشغولی و به وقت عزّ توانگری، از دُلّ درویشی و در نعمت شادی، از محنت دلتنگی و در صحت مزاج تن، از عوارض بیماری و در فراخی مجالِ عمر، از تنگیِ نفسِ بازیسین یاد آر» (همان، ۷۷).

مبتداهای متعدد و خیر واحد:

- «... گفته‌اند: قوی حالی که جرأتش نیست و خوب رویی که ملاحظت ندارد و شجاعی که با خصم نیاویزد و توانگری که جود نوزد و دانایی که مقام تحرر نشناسد و صاحب نسبی که به حسب فرهنگ آراسته نباشد؛ به هیچ کار نیاید» (همان، ۲۸).

کاربرد فراوان جمله‌هایی که از نظر کوتاهی و کلیت و شمول می‌تواند همانند مثل به کار رود و از نوع جمله‌های قصار باشد:

- «مجرم را به گناه عقوبت نفرمودن چنان باشد که بی‌گناه را معاقب داشتن» (همان، ۱۸).

- «آنکه بی‌گناهی را از کشتن برهاند، هرگز بی‌گناه کشته نشود» (همان، ۴۷).

- «سخنی که در اثبات آن عمر یکساله صرف باید کرد، ناگفته اولیتر» (همان، ۱۳۲).

امثله‌ی فارسی نیز کاربرد زیادی در این اثر دارد:

- «سر نا شکسته به داور بردن از نادانی است» (همان، ۴۶).

- «به دام صعوه مرغابی نتوان گرفت» (همان، ۲۳۴).

- «نه هر چه آهو اندازد، مشک بویا بود یا هر چه از نحل آید، عسلی مصفی یا هر چه صدف پرورد، لولوءِ لالا. نه هر که از شیر زاید دلیر بود، یا هر چه از آهن کنند شمشیر بود» (همان، ۱۶۱).

اقتباس و استعمال آیات قرآنی و احادیث در جهت تلفیق معانی و تزئین عبارات و آرایش کلام است. و چنان این دو سخن پارسی و تازی را به هم می‌پیوند که هیچگونه قطع و انحرافی در توالی معانی به نظر نمی‌رسد و گویی این دو یک سخنند:

- «آنچه اندر ازل مقسوم بود خوردم، سرد و گرم روزگار دیدم و تلخ و شیرین او چشیدم و تنبیه لاتنس نصیبک من الدنيا همیشه نصب عین خاطر داشتم و در زرع حسنات لیوم الحصاد، به قدر وسع کوشیدم» (همان، ۳۴).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آوردن مستدلّات و اقتباسات شعری و آیات و احادیث نیز از جمله ویژگی‌های سبکی است که در مرزبان‌نامه دیده می‌شود:

«و اگرچه دیگر گذشتگان به همین موضع ازین جنس در عهد متقدم تبرعی تقدیم کرده‌اند، و مخازن کتب ساخته، لکن چون معاهد آن نظم واهی بود و شرایط آن شمل نامرعی، دست‌تداول روزگار زود به تفریق و تبدیل آن رسید، ع، و کَذَاكَ عَادَ إِلَى الشَّتَاتِ جُمُوعًا، چنانکه امروز از موات آن خیر جز رمیم و رفات نماندست و رفوگران این بساط اغبر و شادروان اخضر، اجزاء مخرق آنرا جز به نسج عنکبوت فراهم نیاورده و بِحَمْدِ اللَّهِ وَ مِنْهُ هر نسخه‌ی ازین نسخ جعلها الله من الباقیات فی صالحات اعماله بحقیقت حلیت چهره‌ی آن عواطلست و بیاض غره‌ی آن منسوخات باطل.

وَ صَفْتِكَ فِي قَوَافِ سَائِرَاتٍ وَ قَدْ بَقِيَتْ وَ اِنْ كَثُرَتْ صِفَاتُ
اَفَاعِيلُ الْوَرَى مِنْ قَبْلُ دُهُمُ وَ فِعْلُكَ فِي فِعَالِهِمْ شِيَاتُ» (همان، ۷۴۱ و ۷۴۲).

کاربرد فراوان اطلاعات علمی از دیگر موارد سبکی این اثر است:

«یک دم زدن بی قبول آسیب چهار عناصر و حلول آفت هشت مزاج ممکن نیست؛ چه ترکیب وجود آدم و عالم را از اجزای مفردات این بسایط آفرینند به انتقال صورت. گاه هوا هیئت آب ستاند، گاه آب به صورت هوا مکتسی شود، گاه پیوست اوغیه‌ی رطوبت بردارد، گاه برودت چراغ حرارت نشاند، و هرگز آدمیزاد از این تأثیرات آزاد نتواند بود. از سرما بیفسرد و از گرما بتفسد. از تلخ نفور گردد و از شیرین ملول شود. بیماریش طراوت ببرد. پیری‌اش نداوت زایل کند. اگر اندک غمی به دل آید بیژمرد، اگر کمتر دردی به تن رسد بنالد. از گرسنگی مضطر شود و از تشنگی ملتهب گردد و هر آنچه به حیز وجود پیوست در اعتراض این حالات و تارات همه یکرنگ‌اند» (همان، ۱۳۸ و ۱۳۹).

نتیجه گیری

در بررسی سبک شناسانه‌ی مرزبان‌نامه و با توجه به ساختار این اثر موارد زیر را می‌توان برشمرد:

۱. هرچند مرزبان‌نامه در پیکربندی و از منظر محتوایی، با توجه به رسالت تعلیمی بودن آن بر اساس کتابی دیگر چون کلیله و دمنه نوشته شده است اما در بررسی سبک شناختی آن می‌توان نتیجه گرفت که مسایل چندی نیز همچون جو فکری و زیرساختی این اثر نشان‌دهنده‌ی اینست که این کتاب، کتابی تقلیدی و با الگوبرداری صرف نیست.

۲. مرزبان‌نامه کتابی است که از نظر محتوایی در ردیف بازروایی قرار می‌گیرد و در مرحله‌ی بعد، یعنی با مطالعه‌ی سبک-شناختی آن، این بازروایی به سبک و سیاق نثرنویسی قرن ششم و هفتم به نگارش درآمده است که در آن وجه غالب عربی مآبی و استفاده فراوان از ترکیبات پیچیده و کمتر شناخته شده است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۳. دیگر آنچه در مورد سبک این کتاب خودنمایی می‌کند، آراسته بودن آن است به صنایع بدیعی و لطایف معنوی و لفظی که مهمترین آن‌ها صنعت «موازنه» یا «قرینه سازی» است و بنای این کتاب بر موزانه و قرینه سازی و مزدوجات و مترادفات و سجع است، و در ضمن این سه اصل، دیگر صنایع را، مانند موزونی عبارات و توصیف و اطناب و مراعات النظیر یا جمع بین اضداد و جمع و تفریق و سیاقه الاعداد و استعارات و تشبیهات و ارسال المثل و طرد العکس و ظریف کاری‌های دیگر را می‌توان یافت. همچنین این اثر در آوردن تمثیل‌های زیبا و آداب و حکم در عالم خود بی‌نظیر است.

منابع

[۱]. معین، محمد (۱۳۲۴). یوشت فریان و مرزبان‌نامه. تهران: مجلس.

[۲]. بهار، محمد تقی (۱۳۸۶). سبک شناسی. تهران: امیرکبیر.

[۳]. تقوی، محمد (۱۳۶۷). حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی. تهران: روزنه.

[۴]. خطیبی، حسین (۱۳۷۵). فن نثر در ادب پارسی. تهران: زوار.

[۵]. شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). انواع ادبی. تهران: میترا.

[۶]. شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). بیان. تهران: میترا.

[۷]. وراوینی، سعدالدین (۱۳۸۰). مرزبان‌نامه. چ ۱۱، تهران: صفی‌علیشاه.